

درانتظار تیغ تیز عدالت در لواسان

برخورد با تخلف دانه درشت هادر لواسان به کندی پیش می رود

طرح پیچیده «انتخابات استانی و تناسبی» در مجلس تصویب شد

توضیح قانون انتخابات مجلس با ذکر مثال

عکس | اسید وحید حسینی | فرهیختگان



۴ نکته کلیدی برای انتخاب رشته راحت

در دانشگاه آزاد دکتر شوید



خداحافظی تدریجی سامسونگ و ال جی از بازار ایران

فرصت طلایی برای لوازم خانگی ایران

سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس در گفت و گوبا «فرهیختگان»:
مسأله علوم پزشکی تمام شده است



رضامیرکریمی دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر
در گفت وگوبا «فرهیختگان»:

اروپایی ها می خواستند فیلم انتقادی را از جشنواره بیرون بکشند

عکس | اسید وحید حسینی | فرهیختگان

سر مقاله

نقدی بر عملکرد جبهه پایداری در ماجرای «ایران مال»
پانتومیم عدالتخواهی



ظاهرا ماجرای حضور دو چهره سرشناس در مراسم افتتاح مسجد پروژه «ایران مال» تمام شد. طبق آنچه اولین بار در تیزر تبلیغاتی تلویزیون آمد، قرار بود آیت الله صدیقی، امام جمعه موقت تهران و محمود کریمی، مداح اهل بیت(ع) در این مراسم در شب نیمه شعبان شرکت کنند، اما با ایجاد فضای بسیار منفی در فضای اجتماعی، منابع غیررسمی بدون مشخص بودن منبع خبر از لغو حضور این افراد در مراسم یاد شده خبر دادند. شب نیمه شعبان گذشت وخوشبختانه این دوچهره مهم مذهبی در «اسلامیزه کردن» پروژه «مال واردات چی ها» شرکت نکردند. اما چرا سکوت «الهام بخش» سخنران دعوتی به این مراسم وهمچنین امتناع از شرکت در این مراسم پایان ماجرا نیست؟

آیت الله صدیقی فقط چهره ای مذهبی و اخلاقی نیست، ایشان با وجود برخی مسئولیت های قضایی از چهره های سیاسی کشور محسوب می شود، اما مهم ترین وجه تمایز او با بسیاری از روحانیون فعال سیاسی، حضور در شورای سه نفره فقهاتی جبهه پایداری است. جبهه پایداری بخشی از بدنه اصولگرایی است که در آستانه انتخابات مجلس نهم برای جداسازی از لیست ائتلافی دیگر اصولگرایان شکل گرفت. یعنی هم مرزبندی با احمدی نژاد، رئیس جمهور وقت ایران کردند وهم با ائتلاف متشکل از سنتی ها ونوگراهای اصولگرایی. شهرت پایداری از همان ابتدا به تاکید این گروه بر خلوص گرایی در کنش سیاسی است، ترجیح آرمان بر نتیجه در صدر شعارها و عمل این گروه بود. عدالتخواهی وتوجه حداکثری به ظرفیت های گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان محوریت ترین دستورالعمل کاری این گروه سیاسی معرفی می شد. اساسا دلیل تشکیل جبهه پایداری این بود که می گفتند در آن سوی اصولگرایی توجه کافی به آرمان ها در روش و هدف نمی شود. پایداری ها آنچنان مواضع تند ورادیکالی داشتند که هرکس در فضای اجتماعی نظری با سوبه حداکثری داشته باشد با عنوان «پایداری چی» معرفی می شود حتی اگر هیچ گاه در هیچ جلسه این گروه سیاسی شرکت نکرده باشد.

تشکیل شورای فقهاتی از سوی جبهه پایداری هم برای همین بود، آنها می گفتند چون به تطبیق قطعی تصمیم هایشان با اسلام اهمیت زیادی می دهند، سه نفر از مهم ترین فقیهان عصر را به عنوان ناظر بر عملکردشان تعیین کرده اند. آیت الله مصباح به عنوان پدر معنوی پایداری و آیت الله صدیقی، دو نفر از این افراد هستند ونفر سوم احتمالا به دلیل جایگاه سیاسی اش هیچ گاه معرفی نشده است. حالا در ماجرای مسجد «ایران مال» یکی از اعضای شورای فقهاتی جبهه پایداری مورد انتقاد قرار گرفت اما افراد ومجموعه های نزدیک به پایداری برخلاف عملکردشان در موارد مشابه عمل نکردند.

باور اینکه قرار اولیه مبنی بر حضور آقای صدیقی در ایران مال حقیقت ندارد، سخت است. تیزر تلویزیونی وتبلیغات گسترده، گواه روشنی بر این ادعاست وبرای همین فقط امتناع از شرکت در این مراسم کافی نیست. حداقل از طرف آقای صدیقی یا اطرافیان ایشان باید از صاحبان ایران مال شکایت شود،

شاید گفته شود که فرآیند شکایت طولانی است که بازم خبری کردن شکایت از آنها حداقلی ترین توقع افکار عمومی از ایشان است. شکایت بابت چی؟ بابت سوءاستفاده از نام یک چهره مذهبی-سیاسی که سوبه نظراتش بیشتر مقوم پارادایم عدالتخواهانه سیاست است. حداقل این گونه به نظر می رسد. پیش از این در ماجرای بازسازی حرم امام راحل(ره)، جبهه پایداری و افراد هم سو با این تفکر سیدحسن خمینی به عنوان تولید حرم ایشان را به شدت مورد انتقاد قرار می دادند. در ماجرای حرم امام با وجود برخی شباهت ها، صورت مساله تقریبا در یک فضا با ماجرای ایران مال است. انتقاد از تغییر بافت ساده حرم امام توسط تولیدات تا ماه ها از سوی جریان های مختلف پیگیری می شد. تفکر منتسب به جبهه پایداری یکی از مهم ترین محافل انتقادکننده بود وسیدحسن خمینی به صراحت به خاطر «اشرافی گری» و صرف هزینه های بی جا در حرم امام، آماج انتقاد بود. حالا در ماجرای «ایران مال» شخصیت ها و رسانه های نزدیک به پایداری احتمالا به خاطر اینکه فرد مورد انتقاد هم سوی سیاسی آنهاست، سکوت کرده اند.

این سکوت برای جبهه پایداری گران تمام می شود چون اتهام قبیله گرایی در عدالت خواهی آنچنان که به برخی چهره های سیاسی ایران وارد است، از این به بعد به اعضای این گروه سیاسی هم وارد می شود. حتی انتقاد پایداری ها از احمدی نژاد ذیل این عنوان که ما با هیچ کس عقد اخوت نبسته ایم هم کمتر مورد قبول می شود چون با سکوت در ماجرای ایران مال مشخص شد، موضع اصلی انتقاد از رئیس جمهور سابق ایران، گفتمانی و عدالتخواهانه نبوده است. مهم ترین چالش گفتمان های سیاسی در فضای اجتماعی ایران، «باورپذیری» است، جامعه ایران به خاطر تفاوت نظر و عمل بسیاری از سیاسیون در این آزمون «سخت گیرتر» هم شده است. آنچنان که شعارزدگی آفت کنش سیاسی روزمره است.

چالش «باور اجتماعی» در عدالت خواهی برای جبهه پایداری به سختی چالش «تدبیر» برای روحانی و چالش «کارآمدی» برای اصلاح طلبان است. هرچند بدیهی است دیگر اصولگرایان از طیف های سنتی گرفته تا نوگراهای عمل گرا هم در این چالش جبهه پایداری شریک هستند اما سهم بزرگ تر و اصلی را کسانی دارند که صابون عدالت خواهی را به تن خیلی از سیاسیون می زنند. نقدهای پیش گفته در این یادداشت فقط مقدمه ای است بر یک بحث طولانی تر؛ اینکه اساسا چگونه پروژه هایی مانند «ایران مال» ساخته می شوند؟ آیا همه «مال» ها برای سرمایه داران شخصی است یا دست برخی از بخش های سیستم سیاسی کشور هم به این خطای استراتژیک آلوده شده است؟ تغییر «زیست اجتماعی» ایران توسط این «ابرپروژه های به ظاهر اقتصادی» چگونه قابل توجیه است؟ لطفا پس از ترک این «روزه سکوت» سیاسی برای جلوگیری از این فاجعه مبنایی فکری کنید.

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای علی میرزاجعفری

درگذشت عموی بزرگوار تان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم مغفور علودرجات و برای جنابعالی، خانواده محترم و عموم بازماندگان صبر و اجر جزیل مسالت دارم.

روزنامه فرهیختگان

یادداشت

نقدی بر یادداشت محمدباقر قالیباف درخصوص FATF
پنالتی هایمان را سانسرت نکنیم



محمدباقر قالیباف، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و کاندیدای چند دوره انتخابات ریاست جمهوری در یادداشتی تفصیلی نکاتی درخصوص نحوه مواجهه با FATF مطرح کرده است. قالیباف در این یادداشت می نویسد برخی در جبهه انقلاب معتقدند حالا که این سازوکارها و معاهدات بین المللی و انواع سازمان های بین المللی رنگارنگ سودی برای ما ندارند، اصلا وارد آنها نشویم و البته سریعاً نظر خود را اعلام می کند که معتقد است این رویکرد در شرایط امروز دنیا به مصلحت جمهوری اسلامی ایران نیست. قالیباف در جای دیگری از این یادداشت می نویسد بررسی موضوع FATF نشان می دهد در شرایط کنونی پذیرفتن توصیه های این نهاد قطعا به ضرر ماست، اما پاسخ سریع و صریح «بله» یا «نه» نیز منافع ملی امروز و فردای ما را تأمین نمی کند. آقای قالیباف احتمالاً از سر دلسوزی خواسته به عنوان یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در بین دو قطب موافق و مخالف لوايح مذکور راه حل میانه ای ارائه کند و مساله کش دار شدن تأیید یا رد لوايح در مجمع را به نوعی موجه کند؛ اما به همین چند خط بالا دقت کنید تا ببینید این استدلال ها کمکی به رفع مساله می کند یا گره را پیچیده تر خواهد کرد؟

قالیباف از یک طرف برخلاف برخی سیاسیون جبهه انقلاب راه حلش خروج از انواع واقسام معاهدات بین المللی نیست ـ شاید اینجا این سوال پیش بیاید که آیا واقعا در جبهه انقلاب کسی هست که این قدر مطلق و یک جانبه به همه معاهدات بین المللی منفی نگاه کند یا نه؟ و از سوی دیگر می گوید پذیرفتن FATF قطعا به نفع ما نیست. راه حل آقای قالیباف اما از این هم پارادوکسیکال تر است، کمر استدلال آنجا می شکند که قالیباف می گوید به رغم قطعیت عدم انتفاع جمهوری اسلامی از پیوستن به FATF، پاسخ صریح وصحیح به آن هم منافع ما را تأمین نمی کند و گویا آنچه منافع ما را تأمین می کند کش دار شدن مساله و تبدیل آن به دیالوگ های روزمره مردم کوچه وخیابان است. پاسخ قالیباف به صورت مساله پیوستن به FATF نه تنها از ما چراغ ابهام نمی کند بلکه موضوع را غامض تر هم می کند، ایشان هیچ توضیحی هم نمی دهد در شرایطی که شیب تحولات و تصمیمات دشمن به سمت اقداماتی مانند تروریستی قلمدادکردن سپاه پاسداران یا عدم تمدید معافیت های خرید نفت از ایران است، حواله دادن ماجرا به گذشت زمان چه کمکی به تصمیم گیری در این خصوص می کند؟

آقای قالیباف حتما حق دارد به عنوان یک عضو مجمع تشخیص مصلحت درخصوص موضوعات مطروحه در مجمع اظهارنظر کند، اما ای کاش مشاوران قالیباف درخصوص آثار سیاسی ای که بر هر سخنی از این جنس مترتب می شود هم توضیحاتی می داد و می گفت به کارگیری منطق «هم ایسن» هم آن و نه این و نه آن» در این فقره چه نتایج مخربی دارد و اصلا این سوال را می پرسیدند که مگر کسی از شما انتظار دارد در همه

موضوعات تبیین موضع کنید؟ آن هم در موضوعاتی که بانیانش یعنی نزدیکان دولت هم از موضع گیری صریح پرهیز می کنند. آیا می دانید با این موضع در میان منتقدان دولت در کلونی نزدیک به روحانی تعریف می شوید و در میان حامیان دولت جزء منتقدان دولت؟ قالیباف چه قصد داشته باشد در آینده ای نزدیک ورود مستقیم به عرصه سیاست داشته باشد و چه بخواهد به عنوان لیدر سیاسی ادبیاتی و گفتمانی را نمایندگی کند باید بداند آنچه درخصوص FATF گفت دقیقا تکرار همان مدل ادبیاتش در انتخابات متکثر ۸۴ او را با هاشمی به دور است. به جملات بالا رجوع کنید، منطق ساخته شده به جای آنکه گره داستان را باز کند و از منظر منافع ملی میان دو طیف مخالفان و موافقان FATF هم گرایی ایجاد کند، گره داستان را کور تر کرد و منتقدان و موافقان را هم ناراضی تر!

قالیباف در انتخابات ۸۴ به حالی که به طور طبیعی بدنه قابل تاملی میان طیف ارزشی داشت با هدف جلب آرای میانه به سبک خاصی از تبلیغات روی آورد؛ تبلیغاتی با هدف جلب آرای خاکستری و اصلاح طلب، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد دفع بخشی از همان بدنه ارزشی بود، بدنه ای که با رای متمرکز به احمدی نژاد در انتخابات متکثر ۸۴ او را با هاشمی به دور دوم فرستاد و احتمالا هرکس در آن انتخابات در دور دوم قطب مقابل هاشمی بود، انتخابات را می برد.

قالیباف در انتخابات ۹۲ به نوعی دیگر ناپختگی سیاسی کرد و در حالی که مزیت نسبی اصلی اش ادبیات کارآمدی بود که در عملکرد شهرداری تهران ظهور و بروز یافته بود، سعی کرد به شکلی ناپخته به بدنه رای آزادی اجتماعی هم ورود کند و با طرح نایباجی مساله کوی دانشگاه چنان رکیبی خورد که یکی از کم شناس ترین افراد حاضر در انتخابات رئیس جمهوری شد. این اشتباه در انتخابات ۹۶ به نوع دیگری تکرار شد و در حالی که به درست یا غلط بخشی از افکارعمومی درگیر بحث املاک نجومی در شهرداری بود این بار به جای تمرکز بر ادبیات پیشرفت، به سمت عدالت اجتماعی رفت. همان طور که اشاره شد، قالیباف به واسطه عملکرد قابل توجه در نیروی انتظامی و شهرداری تهران ظرفیت بالایی در حوزه ادبیات کارآمدی و گفتمان پیشرفت به حساب می آید و به واسطه این کارنامه از بسیاری از سیاسیون جبهه انقلاب ظرفیت بالاتری برای ارتباط گیری با طبقه متوسط جامعه دارد، این ظرفیت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم می تواند در صحنه های مختلف اجتماعی ـ سیاسی فعال شود، لطفا با مشورت های غلط این ظرفیت را هدر ندهید.

فلاش بکی به آخرین دربی تهران بزنیم، استقلال بازی را بهتر شروع می کند اما گل نمی زند و حتی روی یک غافل گیری گل می خورد. در اواخر نیمه اول داویریک پنالتی برایشان اعلام می کند، بهترین فرصت برای جبران نتیجه و بالانرین ظرفیت برای برگشتن به بازی، اما فرشید اسماعیلی بازیکنی که قرار نبوده پنالتی را بزند پشت توپ می ایستد و در حرکتی نمایشی توپ را به آسمان می زند. چیپ فرشید اسماعیلی پنالتی استقلال را به سانتر و تقریبا هیچ تبدیل می کند. اسماعیلی در جام حذفی هم پنالتی خراب کرد و استقلال حذف شده بود. دقت کنید، پنالتی هایمان را سانسرت نکنیم.